

# خواننده زیرزمینی پدر زن سابق خود را به قتل رساند

خواننده زیرزمینی در اقدامی جنون‌آمیز مقابل چشمان پسر 5 ساله‌اش پدر زن سابق خود را به قتل رساند و همسر و مادرزنش را نیز با شلیک گلوله مجروح کرد.

مرضیه همایونی: ساعت 11 شب چهارشنبه 23 خرداد، صدای تیراندازی و فریادهای کمک‌خواهی چند زن و مرد از طبقه دوم ساختمانی در حوالی جنت آباد به گوش رسید. وقتی همسایه‌ها سراسیمه از خانه هایشان بیرون آمدند با جسد مرد میانسال همسایه در راه پله‌ها و همچنین بدن خونین همسر و دخترش روبه‌رو شدند. همزمان مرد جوانی که اسلحه‌ای بدست داشت به همراه پسر کوچکی از ساختمان فرار کردند. گزارش تیراندازی مرگبار به بازپرس امیرحسین علیمردان و تیم بررسی صحنه جرم اعلام شد. زن 60 ساله و دخترش که مورد اصابت گلوله قرار گرفته بودند به بیمارستان منتقل شدند. در همان بررسی‌های اولیه هویت قاتل آشنا شناسایی شد، او کسی نبود جز داماد خانواده که پس از جنایت، به همراه پسر 5 ساله‌اش آنجا را ترک کرده بود. به دستور بازپرس جنایی تحقیقات برای دستگیری متهم آغاز شد و کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت ابتدا با خانواده وی تماس گرفتند اما آنها هم از پسرشان خبری نداشتند. حدود 24 ساعتی از جنایت گذشته بود که خواهر زن متهم با پلیس تماس گرفت و گفت: لحظاتی قبل زنگ در خانه مان را زدند و وقتی در را باز کردم، با پسر خواهرم پشت در مواجه شدم. او گفت پدرش وی را پشت در خانه ما رها کرده و رفته است. سرانجام شامگاه پنجشنبه کارآگاهان جنایی پایتخت موفق شدند مرد مسلح را در باغی حوالی کرج بدست آورند. پس از هماهنگی‌های قضایی کارآگاهان راهی باغ شده و مرد جوان را دستگیر کردند.

متهم پس از انتقال به اداره آگاهی به قتل پدرزنش و تیراندازی به مادرزن و همسر سابقش اعتراف کرد. تحقیقات در این رابطه به دستور بازپرس جنایی از سوی کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت ادامه دارد.



می  
خو  
اس  
تم  
هم  
سر  
م  
آو  
ار  
ه  
شو  
د

39 سال دارد و به گفته خودش از یک هفته قبل برای اجرای نقشه‌اش اسلحه تهیه کرده بود.

**چرا این کار را کردی؟**

من و همسرم 6 سال باهم زندگی کردیم اما از 4 سال قبل اختلاف و درگیری‌هایمان شروع شد و سر هر موضوعی با هم دعوا داشتیم. در نهایت هم 5 ماه قبل طلاق گرفتیم البته من راضی به طلاق نبودم اما مجبور شدم. بعد هم همسرم پسر را برداشت و به خانه پدرش رفت. بعد هم او اجازه نموداد بچام را ببینم.

**از شب حادثه بگو؟**

به بهانه دیدن بچام راهی خانه شان شدم. پدرزن سابقم جلوی در آمد گفتم می‌خواهم بچه را با خودم ببرم؛ اما مخالفت کرد. عصبانی شدم و به پدرزنم تیراندازی کردم. بدنبال صدای تیراندازی و فریاد او، مادرزنم از خانه بیرون آمد و به او هم تیراندازی کردم و بعد از آن هم به همسر سابقم شلیک کردم. بعد وارد خانه شدم و پسر را که شاهد ماجرا بود از خانه بیرون آوردم.

**چرا پدر و مادرش را زدی؟**

می‌خواستم همسرم آواره شود. تا زمانی که آنها بودند همسرم پشتش به آنها گرم بود و جا و مکان و پناه داشت اما با مرگ آنها، همسرم دیگر جایی نداشت و آن وقت آواره می‌شد همان‌طور که من آواره شدم.

**از کی تصمیم به قتل گرفتی؟**

تصمیم نهایی‌ام را از یک هفته قبل گرفتم و اسلحه خریدم.

**شغلت چیست؟**

خواننده مجالس و میهمانی‌ها هستم. درآمد خوب بود ولی نتوانستم زندگی‌ام را حفظ کنم.

اعتیاد داری؟

مرد جوان سکوت می‌کند.

**چرا بچه را به خانه خاله‌اش برگرداندی؟**

چون فراری بودم و بچہ ام هم آواره می‌شد جایی نداشتم و نمی‌توانستم از او مراقبت کنم تصمیم گرفتم نزد خاله‌اش بگذارم تا ببینم تکلیف خودم چه می‌شود.